

فلسوفانه دیدن، مردمی زیستن

نحوه ی تبادل اندیشه یا چگونگی ارتباط اندیشه های فیلسوف و مسائل هر عصر یا مردمان غیرمتخصص یکی از بحث برانگیزترین موضوعات مطرح در حوزه ی تعاملات فکری متفکران و رسانه به عنوان مردمی ترین بستر ترویج آگاهی در جوامع است.



ایرنا، نحوه ی تبادل اندیشه یا چگونگی ارتباط اندیشه های فیلسوف و مسائل هر عصر یا مردمان غیرمتخصص یکی از بحث برانگیزترین موضوعات مطرح در حوزه ی تعاملات فکری متفکران و رسانه به عنوان مردمی ترین بستر ترویج آگاهی در جوامع است.

تاریخ علم و تاریخ فلسفه همواره مدیون نویسندگان و مفسرانی بوده که تخصص شان اشاعه ی آخرین اطلاعات عصرشان به جامعه اند، اینان در واقع حلقه های پیوند بشریت با متفکران جهانند.

در این حوزه، ست دشار نویسی در فلسفه همواره رویکرد بسیاری از متفکران در نگارش آراء و اندیشه هایشان بوده است. بسیاری از متفکران ساده نویسی را مقدمه ی دور شدن از دقت های فکری قلمداد می کنند. برخی نیز ساده نویسی اندیشه های فلسفی را مسبب ساده سنجیده شدن معلوماتشان نزد مردم کم اطلاع دانسته و از این رو مغلق گویی را وسیله ای برای فخر فروختن و کسب امتیازهای اجتماعی برگزیده اند. اما شماری از متفکران هیچ گونه توجیهی برای دشار نویسی در مباحث فکری را بر نمی تابند و ضمن مراعات کامل دقائق فلسفی، پیچیده ترین مفاهیم و مسائل فکری را به روشن ترین و ساده ترین زبان بیان می نمایند.

از این بین شاید بتوان، فیلسوف بریتانیایی الاصل، والتر ترنس استیس (1886-1967)، را سردمدار این دیدگاه برشمرد. وی که در سال 1959 از سوی شورای مجامع علمی آمریکا به عنوان یکی از ده دانشمند ممتاز آمریکائی برگزیده شد و مدتها ریاست انجمن فلسفه ی آمریکا را بر عهده داشت فلسفه را شاه کلید فرهنگ انسانی می دانست و معتقد بود فکر اصلی هر عصر در نابترین شکلش خود را در فلسفه نشان می دهد؛ چرا که عاری از انواع فرعیات و جزئیات است. در واقع استیس معتقد بود بدون فلسفه درک کامل تلاش های عظیم روح انسان یا به عبارت دیگر، درک کامل خود زندگی ممکن نیست.

استیس در مقاله ای با عنوان ' امتیاز طلبی اهل علم، مردم پسندی نویسنده ' می گوید: براستی اهمیتی ندارد که دکترهای علم یا دکترهای فلسفه چه فکر می کنند، چه اعتقادی دارند یا در اتاق های بسته بین خود چه می گویند، آنچه بشریت بدان می اندیشد و اعتقاد دارد مهم است.

وی در همان جا ادامه می دهد که: وظیفه ی حقیقی تنی چند گوشه نشین همانا رهبری فکری بشریت و هدایت کردن اندیشه ی بشر به مدارج بالاتر است، این وظیفه را فقط عده ای انجام می دهند، خواه خود آنها باشند که اندیشه را از زبان فنی به زبان کوچه و بازار بر می گردانند، خواه نباشند.

استیس بر این باور است که می توان اندیشه های بزرگ و نتایج مهم علم و فلسفه را به فرد عادی منتقل کرد و اعتقاد به اینکه بخش عمده ی دانش برای توده های مردم قابل فهم نیست و همه ی دانشها بایستی در تملک انحصاری گروه کوچکی از اندیشمندان نگه داشته شود، به کلی غلط است. زیرا به اعتقاد استیس آنچه فرد عادی از مفاهیم بزرگ اندیشه را نمی تواند بفهمد، جزئیات سیر اکتشاف و استنتاجی است که بدان نتایج انجامیده است. استیس در این باره جایگاه یک اخترشناس را مثال می زند و اینکه مردم برای فهم نهایی پیشگویی اختر شناس درباره ی گرفتگی های خورشید و ماه نیاز به دانستن ریاضیات ندارند اگرچه آن دانشمند برای محاسباتش از ریاضیات استفاده کرده است.

استیس سپس اینگونه نتیجه می گیرد که ممانعت از رواج اندیشه های فلسفی و علمی به زبان ساده برای مردم، ' از نادانی ارباب علم است، نه از جهالت بشریت '.

استیس، به متفکرانی که کانت - فیلسوف آلمانی و نظریه پرداز تجدد را به سبب استفاده از زبان فنی و دشار، الگو می گیرند یادآور می شود که ' کانت به رغم زبان غامضش بزرگ است، نه به سبب آن '.

وی سپس سؤال بسیار تأمل انگیزی را برای طرفداران دشوارنویسی اندیشه ها و تأملات فلسفی مطرح می نماید بدین قرار که :
آیا می خواهید اندیشه مبادله شود ؟

می توان یکی از دلایل عمده ی این فیلسوف انگلیسی در تأکید به ساده نویسی اندیشه را هدف غائی متفکران از تفکر دانسته و اینگونه نتیجه گرفت که به زعم وی ' به یک اعتبار ، حتی اصیل ترین ، عالمانه ترین و پیچیده ترین نوع هر نوشته باید هدفش این باشد که ' تا حد امکان ' برای مردم مفهوم باشد'.

** والتر ترنس استیس (Walter Terence Stace؛ نوامبر 1886 - اگوست 1967) فیلسوف انگلیسی و دانش آموخته ی دانشگاه دوبلین انگلستان بود. شهرت استیس در نظر منتقدان و تاریخ نگاران فلسفه ، بیشتر به سبب ترویج اندیشه های فلسفی در میان مردم غیر متخصص و مشرب اعتدالی و دور از افراط و تفریط وی است. مسئولیت های سیاسی نظامی استیس در سیلان فرصتی را برایش فراهم آورد تا با برخی اندیشه ها و مذاهب شرقی به ویژه آئین بودا آشنایی پیدا کند. پژوهش های او عمدتاً در زمینه فلسفه هگل، عرفان و نسبی گرایی اخلاقی قابل دسته بندی است. استیس در سال 1932 به دانشیاری فلسفه در دانشگاه پرینستون آمریکا و در سال 1935 به سمت استادی در همان دانشگاه منصوب شد.

(گروه اندیشه)

- با اندکی تصرف ، برگرفته از : برگزیده ای از مقاله های استیس ، والتر ترنس استیس ، ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ